

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱۷

تاریخ تصویب مقاله: ۹۰/۱۰/۱۴

بررسی پایایی و روایی مقیاس اضطراب هستی در بین دانش آموزان مقطع متوسطه استان ایلام

دکتر حیدر علی هومن*، نورمحمد رضایی**، دکتر علی محمد رضایی***،
منصوره شهریار احمدی**** و مسعود براتیان اول*****

چکیده

به منظور بررسی پایایی و روایی مقیاس اضطراب هستی (گود و گود)، نمونه ای متشکل از ۲۲۶ دانش آموز دختر و ۲۷۴ دانش آموز پسر به روش نمونه گیری چند مرحله ای از بین دانش آموزان مقطع متوسطه استان ایلام انتخاب شدند و از آنها خواسته شد که به مقیاس اضطراب هستی و مقیاس اضطراب اجتماعی پاسخ دهند. پایایی ابزار پژوهش با روش همبستگی درونی (آلفای کرونباخ) و بازآزمایی به ترتیب برابر ۰/۸۶ و ۰/۸۰ به دست آمد. همچنین به منظور بررسی روایی همگرایی، همبستگی بین مقیاس

Email:Heidar Ali 70@yahoo.com

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

** کارشناس ارشد سنجش و اندازه گیری

*** استادیار دانشگاه سمنان

**** مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

***** کارشناس ارشد روانشناسی از دانشگاه تهران

اضطراب هستی و مقیاس اضطراب اجتماعی محاسبه شد که این همبستگی برابر $0/53$ بود. افزون بر این، بیشترین همبستگی مقیاس اضطراب هستی با عامل بی هدف بودن کارها ($r=0/66$) و کمترین همبستگی آن با عامل عدم علاقه نسبت به انجام کارها ($r=0/33$) به دست آمد. تحلیل اکتشافی و چرخش عامل ها به شیوه وریمکس نشان داد که ساختار نظری مقیاس از پنج عامل: بی هدف بودن کارها، بی ارزش بودن معنای زندگی، عدم توانایی در متقاعد کردن دیگران، عدم علاقه نسبت به انجام کارها و عدم احساس مسؤلیت نسبت به دیگران تشکیل شده است و روی هم $38/19$ درصد واریانس کل مقیاس را تبیین می کند.

واژه های کلیدی: پایایی، روایی، اضطراب، مقیاس اضطراب هستی.

مقدمه

اضطراب هستی^۱ انسان امروزی، واکنشی است در مقابل رشد سریع تکنولوژی، فشارهای ناشی از شهرنشینی، گسستگی های ارتباطی، از هم پاشیدگی جوامع، تحولات اجتماعی و تعارض های فردی که به شکل فزاینده حیات بارور انسان را تهدید می کند. بنابراین، در جهان کنونی هر فردی بسته به تجربیات و شخصیت خود می تواند کم و بیش اضطراب هستی را تجربه کند. امروزه، پیشرفت تکنولوژی، پیچیدگی تمدن، بی توجهی نوجوانان به ارزش های خانوادگی و مذهبی، اضطراب تازه ای را برای انسان به وجود آورده است که بخش مهمی از این اضطراب، به بی معنایی و بی هدفی زندگی بر می گردد. (فتاحی، ۱۳۸۴)

اندی و نیومن^۲ (۲۰۰۸) معتقدند که اضطراب هستی احساسی است که با بی معنا بودن و بی مسؤلیتی در زندگی و مرگ در ارتباط است؛ در حالی که، گود و گود^۳ (۱۹۷۴) معتقدند که اضطراب هستی از ناامیدی، بیگانگی و احساس پوچی نشأت می گیرد. به عبارت دیگر، اضطراب

^۱ - Existential anxiety

^۲ - Andy & Newman

^۳ - Good, I.R., & Good

هستی نوعی ناامیدی، بیگانگی و احساس پوچی فرد در زندگی است. افرادی که از اضطراب هستی رنج می‌برند و آمادگی مبتلا شدن به آن را دارند، دنیا را بی‌معنا^۱ می‌دانند و هر کاری را که انجام می‌دهند یا فکر می‌کنند که می‌توانند انجام دهند، بی‌ارزش می‌دانند و ویژگی بارز این افراد بی‌علاقه بودن و بی‌تفاوت بودن نسبت به دنیاست.

استراسر^۲ (۲۰۰۹) اضطراب هستی را تهدیدی برای ارزش‌های بنیادی و اساسی فرد به حساب می‌آورد. کوهن^۳ (۲۰۱۰) معتقد است اضطراب هستی بیشتر با مفاهیم انتزاعی از قبیل مرگ، ناامیدی، یاس، از خود بیگانگی و بی‌معنا بودن زندگی سروکار دارد.

تعدادی از متخصصان بهداشت روانی طرفدار فلسفه وجود‌گرایی، در این باره که چرا در نیمه دوم قرن بیستم تعداد زیادی از مردم به اضطراب هستی دچار شدند، دلایلی ارائه دادند. نخست آنکه، تغییرات بسیار سریع نیمه دوم قرن بیستم نشان داد که دیگر جهان قابل پیش‌بینی نیست و مردم نقش خود را در زندگی به خوبی نمی‌دانند. دوم آنکه، در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ جمعیت به سرعت سرسام‌آوری رشد کرد و موجب شد که انسان‌ها نتوانند جایگاه خود را در دنیا تشخیص دهند و سوم آن که، دنیای امروز بسیار ناپایدار و نامطمئن شده و به سختی می‌توان راه‌های سازگاری با آن را کشف کرد. (گنجی، ۱۳۸۶)

در اواخر قرن بیستم، آداب، سنن و ارزش‌های کمی برای هدایت رفتار وجود داشت و هر چه تأثیر ارزش‌ها، باورها و قراردادهای اجتماعی کاهش یابد، انسانها مسؤول‌تر و تنهاتر می‌شوند. (سبحانی و محمد رضائی، ۱۳۸۷)

1 - Meaningless

2 - Strasser

3 - Cohn

به نظر فرانکل^۱ (۱۳۶۷) نبودن معنا در زندگی نوعی روان آزرده‌گی است. او این وضعیت را روان آزرده‌گی اندیشه‌زاد^۲ می‌نامد. ویژگی بارز این حالت، احساس تهی بودن و بی‌معنا بودن زندگی است. فرانکل درباره همبندان خود در اسارت معتقد بود که کسانی که زندگی برای آنان معنا، هدف، مقصد و مقصودی نداشت، دیگر علتی برای زنده بودن نمی‌یافتند. آنان به جای آنکه در زندگی احساس سرشار و پر تپشی داشته باشند در خلاء وجودی^۳ به سر می‌بردند، وضعیتی که به اعتقاد فرانکل در عصر نوین متداول است.

وجه تمایز انسان عصر جدید، چه بهنجار و چه نابهنجار، در جدایی و بیگانگی از خود و جهان پیرامون خویش است. روان‌شناسان هستی‌گرا دیگر به شناخت نشانه‌های مرضی، آن‌گونه که فروید و پیروانش توجه داشتند، علاقه‌ای نشان نمی‌دهند؛ بلکه تلاش خود را متوجه شناخت شکوه‌هایی مانند احساس تنهایی، انزوا، سرگردانی، بلاتکلیفی، پوچی، بیهودگی و بالاخره از خود بیگانگی، که علت مراجعه اکثر بیماران نزد آنهاست، می‌کنند. به گفته فرانکل امروزه بیماران غالباً از بی‌معنایی، پوچی و بی‌هدفی زندگی شکایت می‌کنند و در این خلاء وجودی است که خستگی، بی‌حالی، افسردگی، ناامیدی و بی‌قراری ظاهر می‌شود. این پدیده بسیار متداول و فرایند زندگی عصر جدید است. (شولتس^۴، ۱۳۷۹)

تمامی اضطراب‌ها به خصوص اضطراب هستی، ناشی از آن است که آدمی، هویت و حقیقت انسانی خود را به خوبی نشناخته است و نقطه اتکا و آرامش خود؛ یعنی خداوند متعال را از دست داده است. انسان موجودی فقیر و وابسته به خداست؛ اما رابطه خود را با خدا نادیده انگاشته و حتی با خدا به تصور آن که با آزادی‌اش ناسازگار است، قهر کرده و او را از زندگی خود کنار نهاده است. غافل از آن که حیات، تکامل و تعالی او در گرو ارتباط با خداوند است.

1 - Frankel

2 - noogenic neuroses

3 - existential vacuum

4 - Shvlts

دین پشتوانه مستحکمی برای غلبه بر اضطراب هستی است. بخش مهمی از عوامل روان گسستگی و اضطراب، به استغنا از خدا و بی معنایی و بی هدفی زندگی بر می گردد. انسانی که هستی خود را از خدا و بازگشت خود را به او می داند و دنیا را محل آزمایش می شمارد و پس از آزمایش به سرای جاویدان می رود، دیگر زندگی را بی معنا نمی داند و برای همه حوادث، اعم از سختی ها، مشکلات و بیماری ها توجه مناسبی دارد. او هرگز برای آن چه از دست داده، غمگین نمی شود و به آنچه دارد، دل بستگی شدید ندارد.^۱ در برابر حوادث سخت، اندوهی به خود راه نمی دهد^۲ و ملامت ها و سرزنش ها بر اراده او اثر نمی گذارند.^۳ (سبحانی و محمد رضایی، ۱۳۷۸)

اوکن^۴ (۱۳۵۶) معتقد است معنی و ارج زندگی، به خودی خود قابل درک نیست. در مقابل، آدلر^۵ (۱۹۱۹) مطرح می سازد که معنای زندگی، مبارزه برای رسیدن به سر حد کمال است. فرانکل (۱۳۶۷) لوگوس^۶ را در زبان یونانی معادل معنا در نظر گرفته و مکتب درمانگری خود را بر پایه معنای هستی آدمی و تلاش برای رسیدن به این معنا استوار نموده است. وی معنا را در مقایسه با منطق عمیق تر می داند و اضافه می کند که آدمی باید ناتوانی خود را در فهمیدن بی قید و شرط روزگار بپذیرد. چندین سال بعد فرانکل (۱۳۸۱) اضافه می کند هر چه معنا فراگیرتر شود، کمتر قابل درک است و اگر به معنای غایی^۷ پردازیم، لزوماً ورای ادراک قرار می گیرد. مزلو^۸ (۱۹۷۱) در روی آوردی متفاوت با فرانکل، از جمله ویژگی های انسان سالم را «پر

۱ - لکلیلا تاسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم. حدید(۵۷): ۲۳

۲ - و لا تهنوا و لا تحزنوا. آل عمران (۳): ۱۳۹.

۳ - و لا یخافون لومه لا ئم. مائده(۵): ۵۴.

4- Avkn

5 - Adler

6- Logos

7- The ultimate meaning

8 - Maslow

معنایی» می‌داند. به اعتقاد وی، پر معنایی یکی از فرا نیازهای آدمی و یکی از ارزش‌های هستی انسان خود شکوفاست و نقطه مقابل آن را «بی معنایی» می‌داند که نوعی فرا آسیب بوده و از ویژگی‌های شخصیت ناسالم است. با وجود تفاوت‌های این چهار روی آورد، همگی بر تأثیر معنا در زندگی آدمی باور داشته و محدوده این تأثیر از برخی دیدگاه‌ها، سلامت روان و از برخی دیگر خودشکوفایی محسوب می‌شود.

در فلسفه‌های دینی و عرفانی شرق مانند «بودیسم»^۱ و «گیتا»^۲ نیز، شاهد روی آوردهای متفاوتی به معنای زندگی هستیم. زندگی از منظر بودا، غم انگیز و جهنم واقعی بوده و تنها راه نجات از آن حفظ اعتدال اخلاقی و پرتو عمل به دستورهای اخلاقی است. هدف نهایی زندگی در آیین گیتا که به نحو عمیقی در «اپانیشادها»^۳ بیان شده، تصفیه از کل فردیت و وحدت کامل با برهمن است. فرایندی که به محو شدن رودخانه‌ها در اقیانوس شباهت دارد (هاروی^۴، ۲۰۰۰ و رایت^۵، ۲۰۰۰).

استیس^۶ (۱۳۸۰) معنای زندگی را به معنای هدف آورده و بیان می‌کند دین با هر نوع ستاره‌شناسی، زمین‌شناسی و فیزیک می‌تواند سازگار افتد، اما نمی‌تواند با جهانی بی هدف^۷ و بی معنای سازگار باشد. اگر نظام امور بی هدف و بی معنا باشد، پس زندگی انسان نیز بی هدف و بی معنا خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
- 1 - Budism
 - 2 - Gita
 - 3 - Upanishads
 - 4 - Harvey
 - 5 - Wright
 - 6 - Stace
 - 7 - Purposeless

اغلب فیلسوفان، از جمله هاپ واکر و استیس (۱۹۹۸؛ نقل از شرفی، ۱۳۸۴) معنای زندگی را در کنار معنای جهان و معنای هستی قرار می دهند. چنان که استیس (۱۳۸۰) می گوید اگر نظام امور بی هدف و بی معنا باشد، پس زندگی انسان نیز بی هدف و بی معنا خواهد بود. به باور فرانکل (۲۰۰۰) هر چه تأثیر نیروی دین یا قراردادهای اجتماعی کاهش یابد، مسؤول تر و تنهاتر می شویم. حال چنانچه این دو اظهار نظر را در کنار عبارت سومی قرار دهیم که «جست و جوی معنا، لازمه اش مسؤولیت شخصی است»، آن گاه جمع میان آنها تا حدودی دشوار می نماید. زیرا اگر به عقیده فرانکل، هیچ عاملی نمی تواند به ما معنا بخشد، پس چرا با حذف دین و قراردادهای اجتماعی، احساس تنهایی بیشتری به ما دست می دهد؟ مگر این که بپذیریم دین و ارزش از مجموعه عواملی هستند که قادرند به زندگی ما معنا بخشند. پژوهشگران نشان دادند که ابتلا به اختلال بی اشتها، عصبی، ناشی از تجربه اضطراب هستی است. (آدامسون و لیکسل^۱، ۱۹۹۶ و فیتزجرالد^۲، ۲۰۰۵) برخی دیگر از پژوهشگران (تایلچ^۳، ۱۹۵۲؛ مای^۴، ۱۹۵۰) معتقدند بسیاری از مراجعان در زمان مشاوره به این واقعیت اشاره می کنند که آنها در زندگی هدف خاصی را دنبال نمی کنند. در حقیقت، مشکل آنها از بی هدفی و پوچ بودن معنای زندگی یا اضطراب هستی ناشی شده است. نتایج پژوهش پادلفورد^۵ (۱۹۷۴)، پیلکا^۶ (۱۹۸۵)، فرانکل (۱۹۸۴)، میرر و ادواردز^۷ (۱۹۷۴) نشان داد که اضطراب هستی با مصرف مواد مخدر، افسردگی، جستجوی اهداف زندگی، و فعالیت های مذهبی و معنوی رابطه دارد. (نقل از رضایی)

1 - Adamson & Lyxell

2 - Fitzgerald

3 - Tillich

4 - May

5 - Padelford

6 - Pilecka

7 - Meirer & Edwards

نتایج پژوهش ویمز، کاستا، دهون، و استون^۱ (۲۰۰۴) نیز نشان داد که اضطراب هستی با مشکلات شخصیتی، نشانه های اضطراب و افسردگی رابطه دارد. همچنین، پژوهشی که بر روی بیماران و پرستاران صورت گرفت، نشان داد که ۵۵٪ شرکت کنندگان کم و بیش از خلاء وجودی رنج می برند. به عبارت دیگر، بیشتر از نیمی از آنها لحظاتی را تجربه کرده اند که زندگی برای آنها بی معنا و بی ارزش بوده است.

سنجش اضطراب هستی با استفاده از ابزارهای مختلفی صورت گرفته است. یکی از پرکاربردترین این ابزارها مقیاس اضطراب هستی ویمز، کاستا، دهون و برمن (۲۰۰۴) است که از پنج عامل، شامل: پوچی و بی هدفی، سرنوشت و مرگ، عدم مسئولیت پذیری، عدم توانایی در متقاعد کردن دیگران و عدم علاقه نسبت به انجام کارها تشکیل شده است. ویمز، کاستا، دهون و برمن (۲۰۰۴) ضریب بازآزمایی این مقیاس را در طول ۱۴ روز ۰/۷۲ گزارش کردند. همچنین ضریب آلفای مقیاس اضطراب هستی توسط گود و گود (۱۹۷۴) و ویمز و دیگران به ترتیب برابر ۰/۷۱ و ۰/۹۱ گزارش گردید.

میکائیل و هالت^۲ (۱۹۹۴) مقیاس اضطراب هستی را بر روی ۲۷۳ نفر از دانشجویان دوره لیسانس اجرا و ضریب آلفای ۰/۸۹ را گزارش کردند. همچنین نتایج تحقیق میکائیل و هالت (۱۹۹۴)، گود و گود (۱۹۷۴) نشان داد که مقیاس اضطراب هستی با آزمون اهداف زندگی، جستجوی اهداف منطقی و سیاهه افسردگی، بک رابطه معناداری دارد و این سه متغیر ۶۶ درصد واریانس اضطراب هستی را تبیین می کنند.

نتایج تحقیق برمن، ویمز و استیک^۳ (۲۰۰۶) نشان داد مقیاس اضطراب هستی بر اساس نظریه اضطراب هستی پائل تایلچ (نقل از ویمز و دیگران) از سه عامل تشکیل شده است که عبارتند از: بی هدف بودن زندگی، عدم مسئولیت پذیری، و عدم علاقه نسبت به جهان. افزون بر

1 -Weem, Costa, Dehon,& Berman

2 -Michael & Mullett

3 - Berman, Weems, & Stickle

این، بررسی‌ها نشان داده‌اند که این سه بعد از لحاظ آماری از یکدیگر مستقل‌اند و هر یک به صورت متفاوت با دیگر متغیرها همبستگی دارند. (واتسون، کلارک و تیلگن)^۱

کرانباخ و میهل^۲ (۱۹۷۰) معتقدند هدف اصلی رواسازی ابزار پژوهش چیزی جز آزمودن فرضیه نیست و مقصود همه روایی‌ها در حقیقت گردآوری شواهد در جهت آزمون همان فرضیه است. از این رو با استفاده از طرح‌های پژوهشی متداول در استاندارد ساختن آزمون‌ها، هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روانسنجی (روایی و پایایی) مقیاس اضطراب هستی گود و گود (۱۹۷۴) در ایران بود.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

از جامعه آماری دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه استان ایلام در سال تحصیلی ۱۳۸۸ یک گروه نمونه ۵۰۰ نفری (۲۲۶ دانش‌آموز دختر و ۲۷۴ دانش‌آموز پسر) با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بر این اساس، در مرحله اول از ۸ شهر استان دو شهر در مرحله دوم از هر شهر یک دبیرستان پسرانه و یک دبیرستان دخترانه و در مرحله سوم از هر پایه تحصیلی یک کلاس جهت اجرای پرسشنامه انتخاب شد. آماره‌های توصیفی مربوط به آزمودنی‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی مربوط به آزمودنی‌ها

| سن | | پایه تحصیلی | |
|--------|----------|------------------|-----------|
| ۱۶ سال | (۳)۱۶٪ | سال اول دبیرستان | ۱۵۸ (۳۳)٪ |
| ۱۵ سال | (۲۶)۱۲۵٪ | سال دوم دبیرستان | ۲۰۲ (۴۲)٪ |
| ۱۶ سال | (۴۰)۱۹۲٪ | سال سوم دبیرستان | ۱۲۴ (۲۶)٪ |
| ۱۷ سال | (۲۶)۱۲۶٪ | شهر محل تحصیل | |
| ۱۸ سال | (۴)۱۹٪ | آبدانان | ۲۶۱ (۵۳)٪ |
| ۱۹ سال | (۱)۴٪ | دره شهر | ۲۲۸ (۴۷)٪ |

1 -Watson, Clark, &Tellegen

2 -Cronbach & Meehl

بررسی جمعیت شناختی گروه نمونه مورد مطالعه نشان می دهد که ۳۳٪ پاسخگویان در پایه اول دبیرستان، ۴۲٪ در پایه دوم دبیرستان و ۲۶٪ در پایه سوم دبیرستان؛ ۵۳٪ پاسخگویان ساکن شهر آبدانان، ۴۷٪ پاسخگویان ساکن شهر دره شهر هستند؛ افزون بر آن، دانش آموزان از لحاظ سن، ۱۶ نفر ۱۴ ساله، ۱۲۵ نفر ۱۵ ساله، ۱۹۲ نفر ۱۶ ساله، ۱۲۶ نفر ۱۷ ساله، ۱۸ نفر ۱۸ ساله و ۴ نفر نیز ۱۹ سال داشتند.

ابزار پژوهش

۱- مقیاس اضطراب هستی، EAS^۱ (گود و گود، ۱۹۷۴)

این مقیاس شامل ۳۲ گویه است. میزان اضطراب هستی آزمودنی را در یک مقیاس دو ارزشی (صحیح نمره ۱ و غلط نمره ۲) اندازه گیری می کند آزمودنی باید پاسخ خود را به صورت صحیح یا غلط ابراز کند و مجموع نمرات هر فرد، نمره اضطراب هستی او را نشان می دهد و دامنه نمره ها در این آزمون بین ۳۲ تا ۶۴ قرار می گیرد. نمره کلی شخص با استفاده از جمع نمره ۳۲ گویه محاسبه می گردد.

نتایج تحقیق برمن، ویمز و استیک (۲۰۰۶) نشان که داد مقیاس اضطراب هستی از سه عامل (بی هدف بودن زندگی، عدم مسئولیت پذیری، و عدم علاقه نسبت به جهان) تشکیل شده است. برمن و دیگران (۲۰۰۶) روایی مقیاس اضطراب هستی و منطق زیربنایی آن را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و نیز همبستگی با برخی از مقیاس های بالینی مانند فهرست تجدید نظر شده علائم بیماری^۲ (دروگاتیس^۳، ۱۹۹۴)، پرسشنامه روند تحول ایگو^۴ (بالیستری،

-
- 1 - Existential Anxiety Scale
 - 2 - Symptom Checklist-90-R
 - 3 - Derogotis
 - 4 - Ego Identity Process Questionnaire

بوش روسنگال و گیزینگر^۱، (۱۹۹۵)، پرسشنامه افسردگی نلسون^۲ (۱۹۷۷)، آزمون افسردگی بک^۳ (۱۹۸۸)، پرسشنامه پنج عاملی شخصیت^۴ (جان و سریواستاوا^۵، ۱۹۹۹) بررسی کردند و شواهد معتبری از روایی همگرایی این مقیاس گزارش نمودند. در پژوهش حاضر برای بررسی پایایی مقیاس از روش همسانی درونی (بازآزمایی و آلفای کرونباخ) و برای بررسی روایی مقیاس از روش های تحلیل عامل و همبستگی با آزمون های مشابه (همگرا) استفاده گردید. از آنجایی که این مقیاس برای اولین بار در ایران ترجمه و اجراء می شد، لازم بود که سوالات مقیاس با فرهنگ ایرانی تطبیق داد شود، به همین منظور ابتدا توسط دو نفر از اساتید این مقیاس ترجمه و به زبان فارسی برگردان شد، سپس در بین یک نمونه ۳۰ نفری اجراء گردید. برخی سوالات از لحاظ مفهومی تغییر داده شدند و سرانجام فرم نهایی مقیاس تهیه و در گروه آزمودنی ها اجراء شد.

۲- آزمون اضطراب اجتماعی^۶ (شرینک^۷، ۲۰۰۵):

از آزمون اضطراب اجتماعی شرینک (۲۰۰۵) به منظور تعیین روایی مقیاس اضطراب هستی استفاده شد. این آزمون دارای ۲۵ گویه بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (هرگز=۱ تا همیشه=۵) است.

1 - Balistreri, Busch-Rossnagel, & Geisinger

2 - The Neelson Depression. Questionnaire

3 -The Beck Depression Test

4 -NEO

5 -John & Srivastava

6- Social Anxiety Test

7 -Sherink

نتایج پژوهش شرینگ (۲۰۰۵) و شفیع (۱۳۸۶؛ نقل از مسن آبادی) نشان داد که پایایی این مقیاس از طریق روش بازآزمایی به ترتیب برابر ۰/۸۸ و ۰/۹۵ می باشد و همچنین از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۳ است. مسن آبادی (۱۳۸۸) با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که این آزمون از سه عامل حراست اجتماعی، عدم تعامل اجتماعی و رفتار غیر انطباقی تشکیل شده که این سه عامل ۳۸ درصد واریانس کل آزمون را تبیین می کنند.

یافته ها

در این بخش ابتدا یافته های مربوط به روایی مقیاس و سپس پایایی آن ارائه می گردد.

روایی مقیاس اضطراب هستی

برای بررسی روایی مقیاس اضطراب هستی از روش های روایی سازه (تحلیل عاملی به شیوه ی اکتشافی)، همبستگی ابعاد با نمره کل مقیاس و روایی همگرا (همبستگی با مقیاس اضطراب اجتماعی) استفاده شد.

روایی سازه

به منظور بررسی روایی سازه مقیاس اضطراب هستی، از روش تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش وریمکس استفاده شد. در این راستا آزمون KMO^۱ و کرویت^۲ بارتلت (سرنی و کیسر، نقل از هومن، ۱۳۸۰) اجراء گردید. مقدار KMO برابر با ۰/۸۸ و سطح معنادار بودن آزمون کرویت بارتلت کمتر از ۰/۰۱ است. بدین ترتیب، کفایت نمونه گیری و اجرای تحلیل عاملی قابل توجیه است.

^۱ - Kaiser-Meiner-Olkin

^۲ -Sphericity

جدول ۲: شاخص های توصیفی عامل های استخراج شده براساس تحلیل مولفه های اصلی CPI

| وارانس تراکمی | ارزش ویژه | بار عاملی | گویه ها |
|---------------|-----------|-----------|---|
| ۱۲/۶۸ | ۴/۰۵ | | عامل یکم (بی هدف بودن کارها) |
| | | ۰/۷۷ | ۱۷- به طور کلی، احساس می کنم که هر اندازه هم تلاش کنم به جایی نخواهم رسید. |
| | | ۰/۶۲ | ۲۹- در زندگی هدف مهمی ندارم. |
| | | ۰/۵۹ | ۲۴- به نظر می رسد که زندگی من نسبتاً بی معناست. |
| | | ۰/۵۶ | ۱۴- اغلب این احساس را دارم که کمتر امیدوارم. |
| | | ۰/۵۵ | ۲۷- به طور کلی، آنچه انجام می دهم نسبتاً بی معناست. |
| | | ۰/۵۳ | ۴- اغلب احساس می کنم که کارهای من ارزش کمی دارند. |
| | | ۰/۴۹ | ۲۸- به طور کلی، نمی دانم برای چه خلق شده ام. |
| | | ۰/۴۸ | ۲۱- احساس می کنم که زندگی من برای دیگران خیلی اهمیت ندارد. |
| | | ۰/۴۷ | ۹- در کل، وقتی به آینده می اندیشم، احساس افسردگی می کنم. |
| | | ۰/۴۶ | ۳۰- تا اندازه زیادی، خودم را در زندگی تنها احساس می کنم. |
| | | ۰/۴۴ | ۵- اغلب این احساس به من دست می دهد که فقط زنده ام نه این که واقعاً زندگی می کنم. |
| | | ۰/۴۳ | ۸- به نظر می رسد که فعالیت های روزانه من، تا اندازه زیادی، بی هدف است. |
| | | ۰/۳۵ | ۱۱- آنچه احساس می کنم به نظر نمی رسد که برای دیگران معنا داشته باشد. |
| ۱۹/۲۱ | ۲/۸۰ | | عامل دوم (بی ارزش بودن معنای زندگی) |
| | | ۰/۶ | ۱۱- آنچه احساس می کنم به نظر نمی رسد که برای دیگران معنا داشته باشد. |
| | | ۰/۴۷ | ۲- در اکثر مواقع، نسبت به آنچه در اطراف من اتفاق می افتد، بی تفاوت می شوم. |
| | | ۰/۴۵ | ۱۲- سیاست را نسبتاً موضوعی پوچ می دانم. |
| | | ۰/۴۵ | ۱- اغلب این احساس را دارم که زندگی خیلی معنا ندارد یا اصلاً بی معناست. |
| ۲۴/۴۰ | ۱/۶۶ | | عامل سوم (عدم توانایی در متقاعد کردن دیگران) |
| | | ۰/۶ | ۲۵- برای من دشوار است که واقعا چیزی را باور کنم. |
| | | ۰/۴۸ | ۶- به طور کلی، معتقدم که بحث کردن با دیگران بی فایده است، زیرا واقعا نمی فهمند. |
| | | ۰/۴۸ | ۲۳- احساس می کنم چیزهای کمی وجود دارد که ارزش دنبال کردن در بلند مدت را داشته باشد. |
| | | ۰/۳۹ | ۱۹- به آنچه می خواهم یا مطالعه می کنم، اغلب خیلی علاقه نشان نمی دهم. |

| | | |
|-------|------|---|
| ۰/۳۶ | | ۱۳- به نظر من، تلاش برای متقاعد کردن مردم بی فایده است. |
| ۲۹/۵۶ | ۱/۶۵ | عامل چهارم (عدم علاقه نسبت به انجام کارها) |
| ۰/۶۹ | | ۲۲- همیشه چیزی وجود دارد که واقعا دوست داشته باشم آن را انجام دهم. |
| ۰/۶۲ | | ۳۲- به نظر خودم، آدم تولید کننده ای هستم. |
| ۰/۵۲ | | ۱۰- کاری را که واقعا دوست داشتم هرگز از دست نداده ام. |
| ۰/۵۶ | | ۱۸- بیشتر از دیگران معتقد هستم که زندگی معنا دارد. |
| ۰/۳۸ | | ۷- احساس می کنم که زندگی، بیشتر از دیگران امکانات در اختیار من می گذارد |
| ۳۸/۱۹ | ۱/۶۲ | عامل پنجم (عدم احساس مسئولیت نسبت به دیگران) |
| ۰/۶۲ | | ۲۶- تمام کسانی را که می شناسم تقریبا زندگی پوچی دارند. |
| ۰/۵۴ | | ۳۱- در وجود خود، احساس مسئولیت نسبت به دیگران، مشاهده نمی کنم. |
| ۰/۴۶ | | ۱۵- به نظر من زندگی معنا دارد. |
| ۰/۴ | | ۱۶- ارزشی که دیگران برای امور قابل می شوند من هرگز قابل نمی شوم. |
| ۰/۳۱ | | ۲۰- در گذشته من چیزی وجود ندارد که زحمت یاد آوری کردن را داشته باشد. |

مقادیر به دست آمده از ملاک کیسر (کیسر ۱۹۵۸، به نقل از هومن، ۱۳۸۰) ۹ عامل با ارزش ویژه بزرگتر از یک را نشان داد. به دلیل اینکه برخی از عامل ها با هم همپوشانی داشتند و مقدار واریانس تبیین شده آنها کمتر از ۵٪ بود، چهار عامل حذف شد و پنج عامل باقیمانده استخراج گردید.

به دلیل آنکه ماتریس عاملی چرخش نیافته و بارهای عاملی آن ساختاری بامعنا به دست ندادند، تصمیم گرفته شد عامل های استخراج شده چرخش داده شوند تا هم کشف هیات کلی مواد مقیاس و هم تشخیص ساختار ساده تری که نمایشگر خطوط اصلی و نسبتا روشن برای رسیدن به راه حل های تفسیر پذیر باشد، امکان پذیر شود. اجرای تحلیل عاملی و چرخش وریماکس نشان داد (جدول ۲) که مقیاس اضطراب هستی از پنج عامل تشکیل شده است که روی هم ۳۸/۱۹ درصد واریانس کل مقیاس را تبیین می کند.

نامگذاری عامل ها

نام گذاری عامل ها از طریق بررسی مبانی نظری و تجربی مربوط به موضوع مورد تحقیق و همچنین موضوع سوالات قرار گرفته بر روی عامل ها، صورت گرفت.

۱- عامل یکم با ۱۳ سوال (۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰)

همبستگی قوی دارد و تحت عنوان "بی هدف بودن کارها" نامگذاری شده است. ویژگی این افراد آن است که هر کاری که انجام می دهند یا فکر می کنند که می توانند انجام دهند، در نظر آنها بی ارزش و بی هدف است.

۲- عامل دوم با ۴ سوال (۱، ۲، ۳، ۱۲) همبستگی قوی دارد و تحت عنوان "پوچ بودن معنای زندگی" نامگذاری شد. ویژگی این افراد آن است که دنیا را بی معنا می دانند و زندگی آنها پوچ و بی معنی است.

۳- عامل سوم با ۵ سوال (۶، ۱۳، ۱۹، ۲۳، ۲۵) همبستگی قوی دارد و تحت عنوان "عدم توانایی در متقاعد کردن دیگران" نامگذاری شد ویژگی این افراد آن است که نمی توانند اعتماد و نظر دیگران را جلب کنند و نمی توانند دیگران را متقاعد به انجام کار مورد نظرشان کنند.

۴- عامل چهارم با ۵ سوال (۷، ۱۰، ۱۸، ۲۲، ۳۲) همبستگی قوی دارد و تحت عنوان "عدم علاقه نسبت به انجام کارها" نامگذاری شد. ویژگی این افراد افسردگی، بی حالی و عدم تمایل به انجام کارهای روزمره است.

۵- عامل پنجم با ۵ سوال (سوالات ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۶، ۳۱) همبستگی قوی دارد و تحت عنوان "عدم احساس مسئولیت نسبت به دیگران" نامگذاری شد. ویژگی این افراد آن است که فقط به خواسته های خود می اندیشند و خواسته های دیگران را در نظر نمی گیرند.

روایی همگرا^۱

برای به دست آوردن روایی همگرایی مقیاس اضطراب هستی، همزمان دو مقیاس اضطراب هستی و اضطراب اجتماعی در یک گروه نمونه ۸۰ نفری که به صورت تصادفی از بین گروه نمونه اصلی انتخاب شده بودند، اجراء گردید. در جدول ۳ ضریب همبستگی بین مقیاس اضطراب هستی و مقیاس اضطراب اجتماعی و همچنین بین مقیاس اضطراب هستی و عامل‌های پنج گانه آن محاسبه شد.

جدول ۳: ضریب همبستگی بین مقیاس اضطراب هستی با هر یک از عوامل آن و مقیاس

اضطراب اجتماعی

| اضطراب هستی | مقیاس‌ها |
|-------------|--|
| *۰/۵۴ | اضطراب اجتماعی |
| *۰/۶۶ | عوامل مقیاس اضطراب هستی: بی هدف بودن کارها |
| *۰/۴۵ | بی ارزش بودن معنای زندگی |
| *۰/۴۳ | عدم توانایی در متقاعد کردن دیگران |
| *۰/۳۴ | عدم علاقه نسبت به انجام کارها |
| ۰/۱۸ | عدم احساس مسؤولیت نسبت به دیگران |

* $P < 0/05$

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین مقیاس اضطراب هستی و مقیاس اضطراب اجتماعی، برابر ۰/۵۴ است. افزون بر این، بیشترین همبستگی مقیاس اضطراب هستی با عامل بی هدف بودن کارها ($r=0/66$) و کمترین همبستگی آن با عامل عدم علاقه نسبت به انجام کارها ($r=0/34$) بود. با وجود این، بین عامل عدم احساس مسؤولیت نسبت به دیگران و مقیاس اضطراب هستی رابطه معناداری مشاهده نشد.

1- Convergent validity

پایایی^۱

برای بررسی پایایی آزمون از روش همسانی درونی^۲ (ضریب آلفای کرونباخ) و روش بازآزمایی^۳ استفاده شد. نتایج آماری حاصل از ضریب آلفای کرونباخ مقیاس اضطراب هستی برابر ۰/۸۶ بود و همچنین نتایج آماری حاصل از ضریب همبستگی بین دو بار اجرای مقیاس (بازآزمایی) در فاصله زمانی پنج روز، برابر ۰/۸۰ بود که در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر حاکی از مطلوبیت ویژگی های روانسنجی مقیاس اضطراب هستی در ایران بود. در ارتباط با روایی آزمون، نتایج تحلیل عاملی در پژوهش حاضر نشان داد که مقیاس اضطراب هستی از پنج عامل اشباع شده است که این پنج عامل روی هم ۳۸/۱۹ درصد واریانس بین متغیرها را تبیین می کند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی این پرسشنامه همسان با نتایج تحقیق ویمز، کاستا، دهون و برمن (۲۰۰۴) بود که نشان دادند مقیاس اضطراب هستی از پنج عامل تشکیل شده که این پنج عامل عبارتند از پوچی و بی هدفی، سرنوشت و مرگ، عدم مسؤولیت پذیری، عدم توانایی در متقاعد کردن دیگران و عدم علاقه نسبت به انجام کارها. گرچه برمن، ویمز و استیک (۲۰۰۶) در تحقیق خود نشان دادند که مقیاس اضطراب هستی از سه عامل شامل بی هدف بودن زندگی، عدم مسؤولیت پذیری، و عدم علاقه نسبت به جهان تشکیل شده است، دلیل متفاوت بودن تعداد عامل ها در این پژوهش ها ناشی از تفاوت بین حجم نمونه ها، گروه نمونه مورد مطالعه و روش های مختلف تحلیل عاملی (تائید و اکتشافی) است. همچنین نتایج نشان داد که بین مقیاس اضطراب هستی و مقیاس اضطراب اجتماعی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی بین مقیاس اضطراب هستی و مقیاس اضطراب اجتماعی

1- Reliability

2 - Internal - consistency

3- Test-retest

بیانگر روایی همگرایی این دو مقیاس است؛ چون این دو مقیاس هر کدام نوعی اضطراب را اندازه می‌گیرند. در نتیجه سازه‌هایی که شبیه به هم هستند و در کل چیزهای شبیه به هم را اندازه می‌گیرند، باید با هم همبستگی نشان دهند. از سوی دیگر، همبستگی میان عامل‌ها با نمره کل در مقیاس اضطراب هستی نشان داد که بیشترین همبستگی مقیاس اضطراب هستی با عامل بی هدف بودن کارها ($r=0/66$) و کمترین همبستگی آن با عامل عدم علاقه نسبت به انجام کارها ($r=0/33$) بود. با وجود این، بین عامل عدم احساس مسؤولیت نسبت به دیگران و مقیاس اضطراب هستی رابطه معناداری مشاهده نشد دلیل نبود رابطه بین این عامل با نمره کل مقیاس این است که هدف کل مقیاس سنجش بی معنی بودن زندگی فردی است نه سنجش عدم مسؤولیت پذیری نسبت به دیگران. بررسی پایایی مقیاس اضطراب هستی در یک نمونه ۷۹ نفری از گروه نمونه اصلی در دو بار اجرای مقیاس در فاصله زمانی پنج روز برابر $0/80$ بود که در سطح $0/01$ معنادار بود. به این دلیل که اضطراب هستی یک نوع اضطراب حالت است و اضطراب حالت در فاصله زمانی چند روز تغییر می‌کند. فاصله زمانی بین دو بار اجرای آزمون پنج روز انتخاب شد. همچنین برای بررسی پایایی آزمون از روش همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) استفاده شد. نتایج آماری حاصله نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ مقیاس اضطراب هستی برابر $0/86$ بود. در کل نتایج به دست آمده، شواهد روایی و پایایی مقیاس را فراهم می‌سازد.

پیرامون محدودیت‌های پژوهش حاضر ذکر نکاتی ضروری است: از جمله یکی از محدودیت‌های این مقیاس قدرت و میزان تبیین آن بود ($38/19\%$ درصد). در صورتی که، یک آزمون خوب و مناسب بایستی حداقل ۵۰ درصد واریانس بین متغیرها را تبیین نماید. بر این اساس تعمیم تعداد عامل‌های این پژوهش به نمونه‌های دیگر مستلزم تجدید و تکرار پژوهش است. پژوهشگران بعد از اجرای تحلیل عاملی در نمونه‌های مختلف می‌توانند تعیین کنند که عامل‌های استخراج شده تا چه حد دارای ثبات اند. افزون بر این، محدودیت دیگر پژوهش نام‌گذاری عامل‌ها بود. نام‌گذاری عامل‌ها از طریق بررسی مبانی نظری و تجربی مربوط به

موضوع مورد تحقیق به ترتیب زیر صورت گرفت: عامل یک: بی هدف بودن کارها (۱۳ سوال)، عامل دو: بی ارزش بودن معنای زندگی (۴ سوال)، عامل سه: عدم توانایی در متقاعد کردن دیگران (۵ سوال)، عامل چهار: عدم علاقه نسبت به انجام کارها (۵ سوال) عامل پنج: عدم احساس مسؤولیت نسبت به دیگران (۵ سوال). بدیهی است ساخت یک مقیاس جهت اندازه‌گیری یک سازه مکتون دشوار و وقت گیر است؛ برای نمونه، مطالعه تاریخچه شکل‌گیری آزمون‌های معتبر دنیا که از پایایی و روایی مطلوبی برخوردارند، نشان می‌دهد، شکل‌گیری آنها بیش از یک دهه به طول انجامیده است و این در حالی است که روند تکاملی آنها همچنان ادامه دارد. لیکن با توجه به نتایج به دست آمده از پایایی و روایی مقیاس و همچنین با در نظر گرفتن مدت اجرا (حداکثر ۱۰ دقیقه)، شیوه اجرا (به صورت فردی و گروهی) و سهولت نمره‌گذاری و تفسیر نتایج که از مهم‌ترین امتیازات ابزارهای اندازه‌گیری محسوب می‌شود، این مقیاس ابزار مناسبی برای سنجش اضطراب هستی است. افزون بر آن، به نظر می‌رسد اجرای این مقیاس و بررسی یافته‌ها در مورد دیگر نمونه‌ها مانند بیماران روانی و ... ضروری است. در ضمن، بررسی حاضر فقط در استان ایلام صورت گرفته است، بنابراین تعمیم نتایج مستلزم بررسی دیگر استان‌های کشور است. تا از این طریق گروه‌های در معرض خطر به اضطراب هستی در هر یک از استان‌ها مشخص شوند و همچنین امکان مقایسه اضطراب هستی در استان‌های مختلف میسر گردد. لازم است تحقیقات مختلفی جهت دستیابی به روش‌های مناسب و به صرفه برای تغییر اضطراب هستی انجام شود تا با تغییر اضطراب هستی و خلاء وجودی، بتوان دانش‌آموزان را نسبت به آینده امیدوار کرد.

منابع

- ۱- آلن، مری جی و یین، وندی ام. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر نظریه‌های روان‌سنجی. ترجمه علی دلاور. تهران: انتشارات رشد. (تاریخ انتشار اثر اصلی ۱۹۷۹).

- ۲- استیس، والتر ترنس. (۱۳۸۰). *برگزید ای از مقاله ها*. ترجمه ع. ح. آذرنگ. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- اوکن، رودلف. (۱۳۵۶). *معنا و ارج زندگی*. ترجمه س. ض. دهشیری. تهران: دانشگاه تهران.
- ۴- دلاور، علی. (۱۳۷۴). *مبانی نظری و عملی تحقیق در روان شناسی و علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.
- ۵- رضایی، نورمحمد. (۱۳۸۸). *بررسی عملی بودن، پایایی، روایی و نرم یابی مقیاس اضطراب هستی بر روی دانش آموزان مقطع متوسطه استان ایلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد. چاپ نشده. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۶- سبحانی، جعفر و محمد رضایی، محمد. (۱۳۸۷). *اندیشه اسلامی ۱ (ویراست دوم)*. قم: نشر معارف.
- ۷- سیف، علی اکبر. (۱۳۷۸). *سنجش، اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی*. تهران: انتشارات آگاه.
- ۸- شرفی، محمد رضا. (۱۳۸۴). *تاملی نقد گونه در باب معنای غایی زندگی با تاکید بر دیدگاه ویکتور فرانکل*. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، سال سی و پنجم، شماره ۱.
- ۹- شولتس، دوآن. (۱۳۷۹). *روان شناسی کمال (الگوهای شخصیت سالم)*. ترجمه گ. خوشدل. تهران: نشر پیکان.
- ۱۰- فتاحی، محمد. (۱۳۸۴). *اضطراب، بیماری قرن*. نشریه حمایت. سال دوم.
- ۱۱- فرانکل، ویکتور امیل. (۱۳۶۷). *انسان در جستجوی معنا*. ترجمه ا. معارفی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران (تاریخ انتشار اثر اصلی ۱۹۶۲).
- ۱۲- فرانکل، ویکتور امیل. (۱۳۸۱). *انسان در جستجوی معنای غایی*. ترجمه ا. صبوری و ع. شمیم. تهران: نشر تهران صدا. (تاریخ انتشار اثر اصلی ۱۹۷۲).
- ۱۳- فرانکل، ویکتور امیل. (۱۳۸۸). *انسان در جستجوی معنی*. ترجمه ن. صالحیان و م. میلانی، تهران: انتشارات درس (تاریخ انتشار اثر اصلی ۱۹۰۵).
- ۱۴- گنجی، حمزه. (۱۳۸۶). *ارزشیابی شخصیت (ویرایش دوم)*. تهران: نشر ساوالان.

۱۵- مسن آبادی، مریم. (۱۳۸۸). بررسی عملی بودن، پایایی، روایی و نرم یابی مقیاس اضطراب اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد. چاپ نشده. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۱۶- هومن، حیدر علی. (۱۳۸۰). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. تهران. نشر سمت.

۱۷- هومن، حیدر علی. (۱۳۸۱). اندازه گیریهای روانی و تربیتی و فن تهیه تست. تهران: نشر پارسا.

18- Adamson, Lena., & Lyxell, Bjorn. (1996). Self-concept and questions of life: Identity development during late adolescence. *Journal of Adolescence*, 19, 569-582.

19- Adler, Alferd. (1919). *Problems of Neurosis*. Kegan Pau. London. Yale University Press.

20- Anastasi, Anne .(1965). *Teasting problrms in perspective, Messachusettes, American council on Education*.

21- Andy, Pillay. F. ,& Newman, Lori . (2008). *Existential Well-Being in Younger and Older People with Anorexia Nervosa-A Preliminary Investigation*. London.

22- Balistreri, Elizabeth., Busch-Rossnagel, NANCY A., and Geisinger, K. F. (1995). *Development and validation of the Ego Identity Process Questionnaire*. *J. Adolesc.* 18: 179-192.

23- Berman, Steven L.; Weems, Carl F.; Stickle, Timothy R. (2006). *Existential Anxiety in Adolescentd, Prevalence, structure, Association with aychological symptom and identity development*. *Journal of youth and Adolescenc*, 10, 50-68.

24- Cattell, Raymond B. (1966). *The scree test for the number of factors*. *Multivariate behavioral research*, 1, 245-276.

25- Cohn, Waldo E. (2010). *Heidegger and the Roots of Existential Therapy*. London.

- 26-Cronbach, Lee J. ,& Meehle, Paul E.(1970). *Construct validity in psychological tests. Psychological Bulletin*, 72,281-302.
- 27-Cronbach Lee J. (1970). *Essentials of Psychological testing (3rd ed.)*. New York: Harper and row international.
- 28-Cronbach, Lee J. & MEEHL ,Paul E.(1955). *Construct validity in psychological tests. Psychological Bulletin*, 52, 281-302.
- 29-Derogotis, Leonard R. (1994). *Symptom Checklist-90-R (SCL-90-R) Administration, Scoring, and Procedures Manual (3rd edn.)*. National Computer Systems, Minneapolis, MN.
- 30-Fitzgerald, Bernard. (2005). *An existential view of adolescent development. Adolescence*, 40, 793–799.
- 31-Frankel, Viktor Emil. (2000). *Man's search for Ultimate Meaning*. London.
- 32-Good Lawrence R, & Good, Katherine C. (1974). A preliminary measure of existential anxiety. *Psychological Report* 4, 72-74.
- 33-Harvey, Polansky. (2000). *An Introduction to Buddhism and Ethice* Combridge University.
- 34-Hullett, Michael, A (1994). *A validation study of existential anxiety scale. University Middle Tennessee*.30.
- 35-John, Oliver., & Srivastava, Sanjay.(1999). The Big Five trait taxonomy, measurement, and Theoretical perspectives. In L. A. Pervin & O.P.John (Eds), *Handbook of personality: Theory and research* (pp. 102-138). New York: Guilford press.
- 36-Kaplan, Robert M. Saccuzzo, Dennis p.(1989). *Psychological Testing, princioles, Applications, and Issuse, California, Brookes/ Cole publishing Company*.

- 37- Kline, Theresa J.B. (2005). *Psychological testing: a practical approach to Design and Evaluation*.
- 38- Kaiser, Henry. F. (1958). *The Varimax Criterion for Analytic Rotation in Factor Analysis*. *Psychometrika*, 23. 187-200.
- 39- Maslow. Abraham H. (1919). *Memories, Dreams, Reflections*. New York: Vintage Books.
- 40- Maslow. Abraham H. (1967). *Self-Actualization and Beyond of Humanistic Psychology*. New York: McGraw-Hill, 281.
- 41- May, Rollo. (1950). *The Meaning of Anxiety*. N.Y.: Ronald Press Company, 1950.
- 42- May, R. (1950). *The Meaning of Anxiety*. New York: Norton.
- 43- Strasser, Freddie. (2009). *Emotions: experiences in existential psychotherapy and life*. London: Duckworth.
- 44- Tillich, Paul. (1952). *The Courage to Be*. Yale University Press. New Haven.
- 45- Watson, David; Clark, Lee A.; Tellegen, Auke. (1988). *Development and validation brief measures existential anxiety*. *Journal of personality and social psychology*, 54, 1032-1070.
- 46- Weems, Carl F; Costa, Natalie M; Dehon, Christopher; Berman, Steven. L. (2004). Paul Tillich's theory of existential anxiety. A conceptual and empirical analysis. *Anxiety stress coping: An Int. J.* 17: 383-399.
- 47- Wright, Dale. S. (2000). *Philosophical Meditation on Zen Buddhism*. London. Cambridge University.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی